

قابلیت سنجی تفهیم اتهام موکل به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

میلاد امیری^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۸/۳ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

چکیده

تفهیم اتهام و اخذ دفاعیات از متهم در زمره مسائل مهمی است که سرنوشت استمرار یا انقطاع تحقیقات مقدماتی را تعیین می‌نماید. سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تفهیم اتهام غیابی و اخذ دفاعیات اولیه از وکیل متهم غایب یا متواری امکان‌پذیر است؟ در اینجا، یافته‌های پژوهش حاکی از این است که اولاً؛ مخاطب قرار گرفتن وکیل متهم به صورت موقت و تا دستیابی یا حضور متهم برای استماع اولین دفاعیات به‌مانند استماع آخرین دفاعیات وکیل از موکل مجاز و منع قانونی ندارد. ثانیاً؛ بین استماع اولین دفاعیات و آخرین دفاعیات متهم، تفاوت مبنایی وجود ندارد و هر دو نوع دفاعیات می‌تواند در یک‌زمان اخذ شوند، بنابراین، وکیل، حق ارائه دفاعیات در هر دو مقطع را دارد. ثالثاً؛ با وجود اینکه مخاطب «تفهیم اتهام نهائی» و «قرار تأمین کیفری»، مشتکی‌عنه است؛ لیکن نظام قضایی ایران می‌تواند با توجه به روح مواد ۳ و ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با هدف کاهش اطاله دادرسی و سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی، نسبت به «تفهیم اتهام موقتی» موکل به وکیل برای اخذ دفاعیات اولیه و تعیین سرنوشت دعوی کیفری، رویه ایجاد نماید و این مهم با مفاد ماده ۱۷۸ و مواد ۱۹۰ الی ۱۹۹ و ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری مغایرتی ندارد. این پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است.

واژگان کلیدی: متهم، موکل، تفهیم اتهام، وکیل، دفاع، دادرسی

^۱ دانشجوی دکترا، قاضی دادگستری، Milad.amiri@gmail.com

مقدمه

در حقوق کیفری جدید تعریفی که از آیین دادرسی کیفری ارائه داده می‌شود آن است که آیین دادرسی کیفری وسیله است نه هدف؛ از یک‌جهت وسیله است برای قاضی به‌منظور کشف حقیقت و از طرف دیگر، وسیله است برای متهم جهت دفاع از خود و در این میان حقوق دفاعی متهم از جایگاه خاصی در دادرسی‌ها برخوردار است (ملکی، ۱۳۸۱، ص ۳۹). بر همین اساس به‌موجب ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از اهداف قانون مزبور، «رعایت حقوق دفاعی متهم» است (طهماسبی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷۰). حضور متهم در راستای احضار موضوع ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیش از آن‌که وفق صدر ماده ۱۷۸ قانون یادشده تکلیف وی باشد، حق او است (حق حضور). این حق از حق دفاع متهم که در مواد ۵ و ۱۹۵ قانون مذکور تأکید شده است، نشأت می‌گیرد.

حق حضور متهم به آن اندازه اهمیت دارد که برابر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری صدور قرار تأمین کیفری منوط به حضور متهم گردیده است. البته حقوق دفاعی متهم محدود به حق حضور وی نیست، بلکه با حضور وی، حقوق دیگر متهم از جمله حق آگاهی از موضوع و ادله اتهام انتسابی (حق تفهیم اتهام) ظهور نموده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فلسفه این اطلاع و آگاهی فراهم نمودن موجبات دفاع و تأمین آن از سوی متهم یا نماینده وی است (حق دفاع) که برابر بند سوم ماده‌واحد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری می‌بایست از سوی مراجع قضایی رعایت شود. مع‌هذا، دفاع می‌تواند پنج جنبه داشته باشد؛ ۱. دفاع در برابر رفتار انتسابی؛ ۲. دفاع در برابر عنوان انتسابی؛ ۳. دفاع در برابر عنصر قانونی تبیینی؛ ۴. دفاع در برابر ادله انتسابی؛ ۵. دفاع در برابر ضرر و زیان ناشی از جرم. نیک پیدا است در صورت دفاع موجه، متهم بلاقید آزاد می‌شود و نوبت به صدور قرار تأمین کیفری نمی‌رسد.

سؤالی که در این مجال مطرح می‌شود این است که دفاع اولیه در برابر جنبه‌های فوق‌الذکر می‌بایست توسط متهم صورت پذیرد یا نیابتاً وکیل وی حق دفاع از متهم را با تبیین اتهامات اولیه توسط مقام قضایی داراست؟ در نگاه اول شاید مواد قانون آیین دادرسی کیفری دفاع اولیه توسط متهم را تأکید نمایند، اما این نگاه غیرقابل انعطاف

نیست و می‌تواند فرضی را در نظر گرفت که تفهیم یا تبیین اتهام بدواً به وکیل متهم صورت گیرد. فرض مذکور، حالتی است که متهم غائب و یا متواری است و یا اساساً به وی دسترسی نیست و فی‌المثل خارج از کشور است یا به هر دلیلی در شعبه حاضر نمی‌شود (به‌طور مثال به دلیل بیماری)، در این مواقع که پرونده تحت امر مقام قضایی است و متوقف به حضور متهم جهت تعیین سرنوشت پرونده است و النهایه، متهم، وکیل معرفی نموده است، می‌تواند از نگاه غالب در این زمینه گذر نمود و موضوع و ادله اتهامات انتسابی را به وکیل متهم تبیین نمود و حداقل دفاعیات متهم فوق‌الذکر بدون حضور وی و بدواً با حضور وکیل و از طریق وی استماع شود.

این مهم هیچ منع قانونی ندارد و تأثیر بسیاری جهت آگاه‌سازی مقام قضایی از دفاعیات متهم دارد. به‌طور مثال، مشتکی‌عنه متهم به ارتکاب جرمی در تاریخ مشخصی است درحالی‌که وکیل وی با ارائه دفاعیات اولیه اثبات می‌نماید متهم در آن تاریخ در محل ارتکاب جرم حضور نداشته و برادر متهم حضور داشته است، یا برادر دوقلوی متهم از کارت ملی وی سوءاستفاده نموده و از آن طریق مرتکب کلاهبرداری شده است و وکیل متهم ثابت می‌نماید، متهم اساساً در ایران حضور ندارد و کارت ملی وی نزد برادرش امانت بوده است. در تمامی این مسائل و مسائل دیگر، دفاعیات اولیه وکیل بدون حضور متهم، فرایند تحقیقات مقدماتی را نه‌تنها تسریع می‌بخشد، بلکه از انحراف آن جلوگیری می‌کند؛ بنابراین نگارنده معتقد است که با تسری امکان تفهیم اتهام به وکیل متهم غائب، سرنوشت دعوی کیفری می‌تواند به‌واقع نزدیک و آثار مثبت زیادی را به ارمغان آورد.

مع‌هذا، از نوآوری‌های این مطالعه این است که برخلاف سایر آثار پژوهشی ارائه‌شده در خصوص موضوع تفهیم اتهام، به امکان تفهیم اتهام به وکیل متهم می‌پردازد، موضوعی که غالب نویسندگان، یا تحقق آن را ممکن ندانسته یا از ورود به این موضوع خودداری نموده یا آن را خلاف قانون می‌دانند. درحالی‌که این پژوهش با قاطعیت، این مهم را وفق قانون جایز و از مواردی می‌داند که می‌تواند اطلاع دادرسی و آمار موجودی شعب را کاهش و حتی از صدور قرارهای جلب به دادرسی غیابی مبتنی بر ظن و احتمال بکاهد. بنابراین در مبحث اول به بررسی نقش وکیل متهم در قانون آیین دادرسی کیفری و سپس به بررسی مفهوم تفهیم اتهام و انواع آن، مبنای استماع دفاعیات و عدم لزوم

مباشرت متهم در ارائه این دفاعیات و درنهایت به بررسی وجوه افتراق و اشتراک دفاع اول و آخر متهم قبل از صدور قرار نهایی و مواد قانونی تجویزکننده پرداخته خواهد شد.

۱) نقش وکیل متهم در قانون آیین دادرسی کیفری

بر اساس ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری متهم می‌تواند هنگام حضور نزد قاضی تحقیق یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. مبنای این حضور، رعایت حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی است. حدود مداخله وکیل دادگستری در فراز پایانی این ماده تصریح شده است: «وکیل می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار نماید. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.» باید خاطرنشان ساخت که متهم می‌تواند وفق ماده ۱۹۷ قانون یادشده از حق سکوت خود بهره برده و وکیل وی دفاع نماید.

حال سؤال اینجاست که در قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی دو وضعیت صراحتاً پیش‌بینی شده است: ۱. حضور الزامی متهم با حضور وکیل دادگستری (تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری)؛ ۲. حضور الزامی متهم و حضور اختیاری وکیل دادگستری (ماده ۱۷۸ و صدر ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری)، در خصوص وضعیت سوم یعنی حضور وکیل دادگستری در غیاب و بدون حضور متهم صراحتی در قانون آیین دادرسی کیفری یافت نمی‌شود. در چنین وضعیتی آیا مقام قضایی تحقیق‌کننده می‌تواند برابر مواد ۵ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری موضوع و ادله اتهام انتسابی را به وکیل متهم تبیین و تفهیم نماید؟ (تفهیم اتهام غیابی)؛ به سخن دیگر، مقام قضایی آیا می‌تواند دفاعیات وکیل متهم را موقتاً و بدون حضور او استماع و درنهایت مستند به دفاعیات اولیه وکیل، در خصوص پرونده تحت نظر، اتخاذ تصمیم نمایند؟ یا لزوماً برابر قانون آیین دادرسی کیفری حضور وکیل در معیت متهم پذیرفته شده است و بنا به فراز پایانی ماده ۱۹۰ قانون یادشده اظهارات وکیل در حضور متهم، واجد اعتبار و ترتیب اثر است؟

از نظر برخی از حقوقدانان، استماع دفاع اولیه از سوی وکیل متهم منع قانونی ندارد (مهاجری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۸۸) لکن در روبه قضایی ایران اختلاف نظر وجود دارد و

برخی قضات با استنکاف متهم از حضور نزد مقام قضایی، مستند به ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری اظهارات و دفاعیات وکیل متهم را استماع نمی‌نمایند. از نظر برخی نویسندگان، وکیل به همراه متهم و یا پس از حضور وی در شعبه می‌تواند وکالت خود را اعلام و وکالت وی پذیرفته می‌شود، در غیر این صورت، قبل از حضور متهم مطابق صراحت ماده ۱۹۰ به نظر اساساً نباید مقام قضایی وکیل متهم را در پرونده بپذیرد (رزازاده، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱) این سخن برخلاف حق دفاع متهم است زیرا هدف از تعیین مدت جهت حضور در شعبه، تدارک دفاع است.

طبعاً متهم یا وکیل وی جهت تحقق این مهم می‌بایست از فرصت استفاده نموده و با حضور در شعبه و مطالعه پرونده، مهیای دفاع شوند. علاوه بر آن ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری دلالتی بر ممنوعیت مداخله وکیل قبل از حضور متهم و آگاهی از موضوع و ادله اتهام انتسابی ندارد. مضافاً باید تأکید نمود مقنن در صدر ماده ۴ قانون یادشده هرگونه اقدام محدودکننده آزادی را منوط به حکم قانون نموده است. طبعاً محروم نمودن وکیل از ارائه دفاعیات موکل غایب خود علاوه بر این که مغایر صدر این ماده قانونی است بلکه با توجه به فرض بی‌گناهی، مخالف فراز پایانی این ماده قانونی در خصوص فراهم نمودن موجبات نقض احتمالی کرامت و حیثیت افراد در اثر جلب بعدی است. لذا عدم رعایت کرامت و حیثیت اشخاص خصوصاً متهم، در فرایند تحقیقات مقدماتی و کشف جرم، به حقوق دفاعی او لطمه جدی وارد می‌سازد و مکلف نمودن مقامات تعقیب و تحقیق در رعایت کرامت متهم، از جهتی تقویت مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و از جهت دیگر امکان دفاع مناسب و آزاد وکیل را به دنبال دارد (وطنی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۸۹)، لذا برخی حقوق‌دانان از وکیل متهم در این مرحله به‌عنوان «دادرس متهم» نام می‌برند (فضائلی، ملاکه، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳).

تبصره ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر تذکر وکیل متهم به بازپرس، در مقام فریادرس بودن وکیل متهم است. مضافاً این تبصره در تفهیم اتهام غیابی نیز کاربرد دارد. مع‌هذا، نیک پیدا است متهم در هر صورت مکلف به حضور است و ضمانت اجرای عدم حضور متهم، مستقر و برقرار است و در صورت بلا وجه بودن دفاعیات وکیل، برابر ماده ۱۷۹ قانون مذکور متهم غایب جلب خواهد شد. لازم به ذکر است که دفاعیات وکیل در هر صورت اعم از موجه یا غیرموجه، جایگزین دفاعیات متهم می‌شود، لکن

حضور وکیل به مثابه حضور متهم تلقی نشده و ضمانت اجرای عدم حضور متهم مجری است. با این وجود باید به این مهم توجه داشت که همواره عدم حضور متهم، قرینه مثبتی بر دلالت اتهام به وی نیست. به نظر نگارنده، بر اساس مواد ۱-۳-۴-تبصره ۲ ماده ۱۳-۹۳-۹۴-۹۵-۱۹۰-۲۰۴-۲۶۲-۲۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری برابر تحلیل ارائه شده در این مقاله جز در مواردی که حضور متهم و وکیل دادگستری الزامی است، مقام تحقیق «اختیار» دارد جهت کشف حقیقت اقدام به استماع اولین دفاعیات وکیل از جانب موکل خویش نماید و حتی برخی معتقد هستند مقام قضایی می‌تواند، وکیل را به عنوان مطلع احضار نماید. در حالی که مقام تحقیق «الزام» دارد اقدام به استماع آخرین دفاعیات وکیل متهم (در صورت عدم اسقاط این حق) نماید.

زیرا همان گونه که آخرین دفاع تکلیف متهم نیست بلکه حق او است (طهماسبی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۹۷). اولین دفاع متهم نیز حق او است و در صورتی که دفاعیات اولیه وکیل متهم موجب اقناع مقام تحقیق نسبت به انقطاع تحقیق گردد از استمرار تحقیقات مقدماتی و احضار و جلب متهم پرهیز و در نهایت مطابق ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری از کرامت و حیثیت اشخاص در معرض اتهام صیانت و وفق ماده ۳ قانون یادشده پرونده امر با اطلاع دادرسی و مشکلات جلب و غیره مواجه نمی‌گردد؛ زیرا یکی از الزامات نظام قضایی، تعیین تکلیف وضعیت متهم از حیث توجه و عدم توجه اتهام به او، در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. این الزام ریشه در فرض برائت دارد و در واقع احترام به ارزش و کرامت ذاتی یک انسان است که در موضع اتهام قرار گرفته است (کرامت، حبیب زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷).

این مسئله در مواردی که مبنای احضار متهم وفق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، شکایت شاکی توأم با قرائن و امارات «ظنی» باشد، مهم‌تر جلوه می‌نماید. علی‌ای حال، هر چند برخی حقوقدانان با عامل اخلاقی تلقی نمودن متهم، معتقدند اتهام «باید» به مخاطب قاعده کیفری یعنی متهم تفهیم شود (محمودی جانکی، جلیل پیران، ۱۴۰۰، ص ۳۱۳)، لیکن باید اذعان داشت مقنن در تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری استثنای بر این قاعده و امکان تفهیم اتهام و اخذ دفاعیات از وکیل تعیینی یا تسخیری را پیش‌بینی نموده است و عبارت تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد مؤید آن است و وضعیت بزه‌کار (مجنون یا شخص فاقد هوشیاری) موجب تخصیص این

حق به آن‌ها و وضعیت خاص بزهکار نمی‌گردد. تفاوت در این است که در فرض خاص تبصره مذکور، تفهیم اتهام مستقیم به متهم به صورت دائم یا موقتی منتفی است، لیکن در فرض عام تفهیم اتهام به وکیل در غیاب متهم و اخذ دفاعیات اولیه موجب انتفای تفهیم اتهام به متهم نخواهد بود و مقام تحقیق الزام به تفهیم اتهام به متهم دارد.

۲) تفهیم اتهام

تفهیم اتهام مقدمه واجب برای بازجویی از متهم است (آخوندی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۳۷) لذا منظور از تفهیم اتهام، اعلام رسمی موضوع اتهام انتسابی به متهم و ادله آن از سوی مقام قضایی صلاحیت‌دار است (ناجی زواره، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۶). برخی حقوقدانان تفهیم اتهام را صرفاً محدود به مقام قضایی نمی‌دانند بلکه در تعریف تفهیم اتهام آن را اعلام رسمی رفتار یا رفتارهای مجرمانه به متهم از سوی بازپرس، مقام قضایی و یا ضابط دادگستری می‌دانند (آشوری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۶۶). این برداشت وفق مواد ۵ و ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری صحیح‌تر است (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۳۰)، البته تفهیم اتهام، امری بیش از اعلام اتهام است و به‌واقع باید به متهم فهمانده شود که چه عمل مجرمانه‌ای به وی نسبت داده می‌شود تا او بداند که دقیقاً به دلیل ارتکاب چه امر ممنوع یا خودداری از انجام چه وظیفه‌ای احضار شده تا بتواند به‌خوبی از خود دفاع نماید (خالقی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۰۹).

بازپرس باید عنوان اتهامی را مطابق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری با تفهیم اتهام رکن مادی و رکن قانونی جرم به متهم تفهیم نماید (رستمی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۹). شایان‌ذکر است در حقوق ایران با تفهیم اتهام، مشتکی‌عنه یا مظنون تبدیل به متهم می‌شود (آشوری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۶۶). در عمل هم قانون و هم رویه قضایی، فرد مزبور را قبل از تفهیم اتهام نیز متهم می‌خوانند (خالقی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۰۹). ضرورت تبیین ماهیت رفتار مجرمانه به‌این‌علت است که متهم در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب آن اظهار عقیده کند و دفاعیات خود را پیرامون آن تدارک و ارائه دهد (طهماسبی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۸۳).

در نظام قضایی ایران می‌توان تفهیم اتهام را از باب حضور و عدم حضور متهم به حضوری و غیابی و از باب مقطع زمانی به تفهیم اتهام اولیه برای استماع دفاعیات اولیه و

تفهیم اتهام ثانویه برای استماع دفاعیات پایانی متهم تقسیم نمود. آنچه موضوع این مقاله بر محور آن است تقسیم نوع اول است؛ ۱. تفهیم اتهام حضوری؛ ۲. تفهیم اتهام غیابی. به نحوی که اولی در رویه قضایی متداول بوده و اکثر قضات تفهیم عنوان نوع دوم را به دلیل عدم صراحت قانون، فاقد وجاهت می‌دانند. در حالی که به نظر نگارنده با استدلال مقرر در مباحث آتی منع قانونی جهت تفهیم اتهام به نماینده یا وکیل متهم به صورت موقت و جهت کشف حقیقت در قانون آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است و رعایت حقوق دفاعی متهم و جلوگیری از اطاله تحقیقات می‌تواند موجب تقویت این دیدگاه گردد. با این وجود، باید به این نکته توجه داشت که تفهیم اتهام غیابی موقتی موجب انتفای تفهیم اتهام به متهم غایب یا متواری و ضمانت اجراهای قانونی جهت جلب و دستیابی به متهم نخواهد بود مگر آن که تحقیقات به صورت غیابی خاتمه یابد.

۲_۱) تفهیم اتهام حضوری

منظور از تفهیم اتهام حضوری، تفهیم اتهام به صورت مستقیم و بلا واسطه نسبت به متهم است. اعم از این که در معیت متهم، وکیل دادگستری حضور داشته باشد یا نباشد. با توجه به فراز پایانی ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد؛ «وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند، اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود». مقام تحقیق مکلف است موضوع و ادله اتهام انتسابی را برای وکیل متهم نیز تفهیم و تبیین نماید؛ زیرا نمی‌توان از وکیل متهم انتظار داشت در برابر جرم ناشناخته و دلایل غیر معلوم و یا تفهیم اتهام مجمل یا مبهم نسبت به موکل خود، پاسخگو بوده و بی‌مقدمه از موکلش دفاع نماید، حتی اگر تفهیم صورت گرفته نسبت به موکل خود را استماع نموده باشد.

لذا به نظر نگارنده قاضی مکلف است در صورت تفهیم اتهام به متهم به درخواست وکیل وی در راستای مقرر مذکور جهت مهیا شدن موجبات ارائه دفاعیات وکیل، مجدد اتهام و دلایل آن را برای وکیل، تبیین نماید و این فرض جدای از مسئله تفهیم اتهام مجدد و اخذ آخرین دفاع است. تفهیم اتهام بدین نحو به وکیل متهم به دلیل حضور متهم و تفهیم در محضر او، حضوری محسوب می‌گردد. نکته شایان توجه این است که

اظهارات متهم در برابر تفهیم اتهام، منفعک از اظهارات وکیل وی، صورت جلسه می‌شود و ارائه دفاعیات به صورت مشارکتی خلاف نص قانون است. باید تأکید داشت، تخصیص فراز مذکور به ارائه درخواست مطالعه پرونده و لایحه دفاعیات صحیح نیست. طبق اطلاق این بخش وکیل در پنج فرض و مقطع زمانی می‌تواند از موضوع و ادله اتهامی مطلع شود و دفاعیات خود را ارائه نماید؛ ۱. قبل از احضار متهم با حضور در شعبه؛ ۲. بعد از احضار متهم و قبل از حضور وی نزد مقام تحقیق با حضور در شعبه؛ ۳. هم‌زمان با احضار و حضور متهم نزد مقام تحقیق در شعبه؛ ۴. پس از حضور متهم نزد مقام تحقیق؛ ۵. پس از احضار متهم و عدم حضور وی نزد مقام تحقیق که در مبحث آتی تبیین می‌شود. حال، در این میان، صورت مجلس شدن اظهارات وکیل اختصاص به فرض سوم ندارد و در هر موردی که وکیل در شعبه حاضر و قاضی برای استماع اظهارات وی وقت رسیدگی اختصاص دهد، ضروری است.

۲_۲) تفهیم اتهامِ غیابی

منظور از تفهیم اتهام غیابی یا غیرحضوری، تفهیم اتهام به صورت غیرمستقیم و با واسطه نسبت به وکیل متهم غایب یا متواری است. سؤال مهمی که در این مجال مطرح می‌شود این است که آیا تفهیم اتهام قائم به شخص است و مخاطب مقام تحقیق صرفاً مشتکی عنه است یا وکیل وی نیز می‌تواند مخاطب قرار گیرد؟ برخی نویسندگان اذعان می‌دارند؛ هرچند در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی از این ویژگی تفهیم اتهام سخن نرفته است اما تفهیم اتهام قائم به شخص متهم و مستلزم حضور وی در زمان تفهیم اتهام است و در صورتی که متهم وکیل داشته باشد نمی‌توان به جای متهم به وکیل او حتی در دادسرا، غیابی تفهیم اتهام نمود. چون این متهم است که محاکمه می‌شود نه وکیل او (عبداللهی، ۱۳۹۰، ص ۴۱).

این محقق عنوان می‌دارد اگر معتقد به تفهیم اتهام به وکیل متهم باشیم، در حقیقت تکلیف مقام قضایی در تفهیم اتهام را بر دوش وکیل گذاشته‌ایم. لذا الزامی بودن حضور متهم برای انجام تفهیم اتهام و شخصی بودن آن، از این امر نیز استنباط می‌شود که چون حداقل در حقوق ایران، متعاقب تفهیم اتهام باید قرار تأمین کیفری صادر کرد و برای صدور قرار مزبور حضور متهم لازم است پس همین‌طور برای انجام تفهیم اتهام

متهم باید حضور داشته باشد (همان، ص ۴۱). برخی از حقوقدانان همسو با این دیدگاه اظهار داشته‌اند؛ تفهیم اتهام به وکیل متهم موجب فقدان اعتبار قانونی تفهیم اتهام می‌گردد (کرامت، حبیب زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰)، یا این اقدام با توجه به مفهوم و منطوق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری و جاهت قانونی ندارد (الهی منش، رحیمی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۸۳). برخی دیگر چنین بیان می‌دارند؛ حضور متهم در جلسه دادرسی از ضروریات دادرسی‌های کیفری امروزی است و متهم چه وکیل داشته باشد و چه فاقد وکیل باشد باید شخصاً در دادرسی حاضر گردد؛ چراکه ارزیابی قاضی از شخصیت متهم، خود جزئی از رسیدگی است و تفهیم اتهام یا صدور قرار تأمین کیفری حتماً باید نسبت به خود متهم صورت گیرد و تفهیم اتهام به وکیل متهم یا صدور قرار تأمین کیفری نسبت به وکیل مجوز قانونی ندارد و از اعتبار ساقط است (ملکی، ۱۳۸۱، ص ۴۱). همچنین برخی از نویسندگان اصل تفهیم اتهام به «متهم» را جز اصول بنیادین دادرسی محسوب نموده‌اند (زاهدی، سرگزی، ۱۳۹۸، ص ۸۹).

علی‌هذا باید اذعان داشت در قانون آیین دادرسی کیفری تفهیم اتهام غیابی به‌صراحت پیش‌بینی نشده است، لکن در اسناد بین‌المللی خصوصاً اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) تفهیم اتهام غیابی لحاظ شده است. برابر بند دوم ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: «در صورتی که متهم حق حضور خود را ساقط نماید یا متواری بوده و همه اقدامات جهت حضور در دیوان و آگاهی از اتهام انتسابی بی‌نتیجه مانده باشد در آن صورت شعبه مقدماتی رأساً یا به تقاضای دادستان جلسه‌ای را در غیاب متهم جهت تفهیم اتهام غیابی تشکیل خواهند داد. همچنین در صورتی که شعبه مقدماتی حضور وکیل را در راستای اجرای عدالت ضروری بدانند، وکیل به نمایندگی از متهم در جلسه شرکت می‌نماید». پیش‌بینی تفهیم اتهام غیابی در دیوان که تحت شرایط ذکر شده است، شاید برای حفظ جایگاه دیوان مثر ثمر باشد؛ مثلاً متهمی که بنا به دلایل سیاسی یا عدم اعتقاد به کار دیوان حق حضورش هنگام تفهیم اتهام در دیوان را ساقط می‌نماید (یزدانی، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

باین‌وجود، می‌توان از فحوای قانون آیین دادرسی کیفری امکان تفهیم اتهام غیابی خصوصاً به‌صورت موقتی و برای روشن شدن موضوع را استنباط نمود و از ظاهر قانون مذکور گذر نمود؛ زیرا به نظر نگارنده مصلحت قضایی و حقوق دفاعی متهم و اصل برائت

که تا صدور حکم قطعی محکومیت نسبت به مشتکی‌عنه یا متهم تسری دارد، این تئوری را تقویت می‌نمایند. ازجمله باید توجه داشت ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری بر عدم استقلال ارائه دفاعیه در موضوع آخرین دفاع تصریح نموده است. طبعاً در آخرین دفاع، می‌بایست مقدمه دفاع یعنی تفهیم اتهام مجدد صورت گیرد که مقنن، تفهیم اتهام مستقیم به متهم را ضروری ندانسته است. به‌نحوی که مقام تحقیق می‌تواند به وکیل متهم تفهیم اتهام پایانی را انجام داده و دفاعیات نهایی را از وی دریافت نماید. لذا قائم به شخص بودن تفهیم اتهام و ارائه دفاعیات از نظر مقنن ایران پذیرفته‌نشده است و صراحت مواد ۱۹۰ الی ۱۹۹ و ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری منعی برای تفهیم اتهام به وکیل متهم در مواقع غیبت متهم به‌صورت مستعجل پیش‌بینی نموده است؛ بنابراین به نظر نگارنده تفهیم اتهام و دفاعیات پایانی تفاوتی مبنایی با تفهیم اتهام و دفاعیات اولیه ندارد و هر دو موضوع قائم به شخص نمی‌باشند. منتهی باوجود این امر فی‌مابین این دو تفهیم اتهام تفاوتی غیر مبنایی وجود دارد که در مباحث آتی تبیین خواهد شد.

النهاییه، پذیرش تفهیم اتهام به وکیل متهم برای اخذ دفاعیات وی است نه اخذ تأمین کیفری و مضاف بر آن، این تفهیم اتهام، نافی تفهیم اتهام به متهم در صورت دستیابی به وی نیست و دلیل اصلی گرایش نگارنده به پذیرش تفهیم اتهام غیابی موقت و مستعجل به وکیل تا حضور متهم، علاوه بر کاهش اطاله دادرسی و تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی، عدم ممانعت و محرومیت وکیل متهم از ارائه دفاع متعاقب تفهیم اتهام موکلش است. گاه دفاع وکیل در این مقطع زمانی نگاه قاضی را به حقیقت، روشن‌تر و از اقدامات محدودکننده و سالب آزادی بعدی (مانند جلب یا ممنوع‌الخروجی یا مسدودسازی خدمات بانکی و غیره) و همچنین اطاله تحقیقات جلوگیری می‌نماید و اساساً این امکان وجود دارد که مقام قضایی با دفاعیات وکیل متهم از ادامه تعقیب متهم منصرف و ممانعت نماید؛ مثلاً وکیل در دفاعیات اثبات نماید اتهام متوجه مشتکی‌عنه نبوده بلکه متوجه شخص دیگری است.

۳) مبنای استماع دفاعیات متهم

حق دفاع از مقدس‌ترین حقوق انسانی است که موجب تضمین آزادی‌های فردی است (طباطبائی مومنی، ۱۳۷۲، ص ۲۳). به تعبیر برخی نویسندگان، حقوق متهم سنگ بنای دموکراسی و وجه تفاوت و امتیاز آن از کشورهای پیشرفته و کم توسعه است (دیوسالار، نجفی توانا، ۱۳۹۹، ص ۳۰۳). بر این اساس ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری یکی از اهداف آیین دادرسی کیفری را رعایت و تضمین حقوق متهم بیان نموده است. تسهیل و تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی و برخورداری از حق دسترسی به وکیل نیز از حقوق متهم هستند. لذا حضور وکیل مدافع متهم در تحقیقات مقدماتی، موجب جلوگیری از نابسامانی در امر تحقیق به ضرر وی و قوت قلب او است (مؤذن زادگان، ۱۳۸۹، ص ۳۱۱)؛ بنابراین اعتلای حق دفاع متهم و تنقیح آن به حسن جریان دادرسی عادلانه کیفری می‌انجامد.

البته دادرسی عادلانه، ابعاد گوناگونی دارد و در ارتباط با حق دفاع متهم ایجاب می‌نماید که در صورت اسناد اتهام به شخصی، وی بتواند بدون دغدغه خاطر و به زبان قابل فهم از خود دفاع نماید (رحم‌دل، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰). مبنای دفاع متهم این است که انتساب بزه به متهم، مغایر اصل برائت است و در نتیجه مقرر است این شخص به‌عنوان ناقض قانون تحت پیگرد قرار گرفته و کیفر ببیند؛ بنابراین تأمین حق دفاع متهم و تدارک آن ضروری است. مقنن این حق دفاع را در دو مقطع زمانی تعیین نموده است که می‌تواند بین آن‌ها نیز فاصله باشد یا نباشد.

مقطع اول: بعد از تفهیم اتهام اول وفق مواد ۵ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری و مقطع دوم: بعد از استماع دفاعیات اول یا سکوت متهم و تفهیم اتهام مجدد (ثانویه) وفق مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری است. نکته حائز اهمیت که موضوع این مقاله است، عدم الزام قانونی در مباشرت و حضور متهم جهت دفاع (اولیه و ثانویه) از اتهام انتسابی است. البته باید به این مهم توجه داشت احضار متهم، جهت تفهیم اتهام و مهیا کردن شرایط دفاع اولیه وی یا نماینده او است و حضور به‌تنهایی خصوصیتی ندارد، زیرا متهم می‌تواند با وجود حضور برابر ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری سکوت نماید؛ زیرا این حق مصونیت ویژه‌ای است که در اختیار متهم تحت بازجویی قرار دارد که او را از مجبور شدن به پاسخگویی به سؤالات و یا ارائه دلیل در فرآیند رسیدگی‌ها

رها می‌سازد (تاج امیر و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳).

۳_۱) مبنای استماع اولین دفاع متهم

طرح اتهام متهم را وارد فرایندی می‌کند که حقوق و الزاماتی خاص بر آن مترتب است. الزامات حاکم بر این فرایند ایجاب می‌کند که دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری از اتخاذ تصمیم‌های محدودکننده احتراز نمایند؛ بنابراین ضروری است تمام امکانات را در اختیار متهم قرار دهند تا وی بتواند از خود دفاع کرده، بی‌گناهی‌اش را ثابت کند و یا حداقل از محکومیت بیش از استحقاقش جلوگیری نماید (بابائی، افراسیابی، ۱۳۸۹، ص ۳۹). مبنای اصلی استماع اولین دفاعیات متهم، فرض بی‌گناهی و در نتیجه بررسی توجه یا عدم توجه احتمالی اتهام به وی است. اگر متهم بتواند در اولین دفاعیات قاضی را قانع نماید که ادله‌ی علیه وی، ثابت‌کننده اتهام نبوده، شرایط آزادی بی‌قید خود را فراهم ساخته است. در این صورت قاضی با توجه به دفاعیات متهم، تصمیم نهایی خود را اتخاذ یا جهت جمع‌آوری ادله اتهامی به سایر طرق متوسل می‌شود؛ بنابراین اولین دفاعیات جهت انقطاع یا استمرار تحقیقات ضرورت می‌یابد؛ که به نظر نگارنده این مبنای جنبه شخصی نداشته و وکیل متهم به‌عنوان دادرسی موکل خود نیز می‌تواند قاضی را به نتایج مذکور هدایت نماید.

۳_۲) مبنای استماع آخرین دفاع متهم

دادن فرصت آخرین دفاع به متهم، هم فرصت واقع‌گرایانه‌ای برای قاضی است تا مطمئن شود که همه دفاعیات متهم را شنیده است و حکم وی مبتنی بر واقعیات است، زیرا چه‌بسا قاضی در طول رسیدگی به آن‌ها بی‌توجه و غافل بوده باشد و بعد از آخرین دفاع دیگر تردیدی نزد قاضی نخواهد ماند که متهم مجرم است والا یا باید به تحقیقات و رسیدگی خود ادامه دهد یا نظر به مجرم نبودن متهم داشته باشد (شاکری، نریمانی کناری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸)، لذا آخرین دفاع را که در مرحله نهایی هر مرحله دادرسی مبتنی بر اصل برائت مورد توجه قرار گرفته، می‌توان تکمیل‌کننده فرایند دفاع تلقی نمود (رحمدل، ۱۳۹۹، ص ۹۹).

بنابراین مبنای اصلی استماع آخرین دفاع متهم، اصل برائت است که در اصل ۳۷ قانون

اساسی مصوب ۱۳۵۸، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بند ۲ ماده واحده احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ بدان تصریح گردیده است. حق آخرین دفاع صرفاً متعاقب دفاع اولیه مطرح نمی‌شود، بلکه اگر متهم از حق سکوت مقرر در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز برخوردار باشد و سکوت نماید نیز باید فرصت آخرین دفاع برای وی یا وکیلش فراهم آید؛ بنابراین فرصت اولیه جهت دفاع مؤثر در برابر اتهام وارده، گاه مقام تحقیق را به بی‌گناهی و تبرئه متهم سوق نمی‌دهد به نحوی که قانون به قاضی اجازه نداده است که بدو اتخاذ تصمیم نماید، بلکه پس از شنیدن اظهارات متهم همسو با دفاعیات ارائه‌شده، انجام تحقیقات خاصی را پیگیری کند، سپس با تکمیل و کفایت تحقیقات مجدد تفهیم صورت گرفته و دفاعیات پایانی وی استماع شود. گاه مقام تحقیق در زمان تفهیم اتهام اولیه و استماع دفاعیات اولیه، تحقیقات را کامل دانسته و فوراً پس از اخذ دفاعیات اولیه، تفهیم اتهام مجدد (پایانی) را انجام داده و دفاعیات وی را اخذ می‌نماید که مورد اخیر صراحتاً قابل نیابت است. لکن مورد اول به نظر نگارنده نیز قابل نیابت است مشروط بر اینکه در صورت غیرموجه بودن دفاعیات اولیه وکیل فرصت دفاع اولیه برای متهم پس از دستیابی به وی فراهم آید، لذا باید در این فرض به قابل اجتماع بودن دفاع وکیل و موکل نظر داشت. این موضع به تفهیم اتهام موقتی به وکیل متهم غایب نیز قابل تسری است. باین حال برخی حقوقدانان معتقدند در آخرین دفاع «برخلاف تفهیم اتهام»، وکیل می‌تواند هرگونه اظهاراتی را در رابطه با کشف حقیقت یا برائت متهم بیان کند و اخذ آخرین دفاع منحصر به متهم نیست (الهی منش، رحیمی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۸۹)

۴) وجوه افتراق دفاع اول و آخر

تکلیف قانون‌گذار به تفهیم صحیح اتهام و اخذ دفاعیات متهم واجد ارزش است. به نظر نگارنده اولاً؛ ارزش دفاعیات اولیه با دفاعیات ثانویه متفاوت است. به نحوی که ضرورت اخذ آخرین دفاع را باید واجد ارزش مهم‌تر تلقی نمود (رحمدل، ۱۳۹۹، ص ۱۰۳). مقنن در موضوع اهم (دفاع آخر)، اخذ دفاعیات از وکیل متهم را پیش‌بینی نموده است و به‌طریق اولی می‌بایست این دیدگاه را اتخاذ نمود که این قاعده قابل تسری به موضوع

مهم (دفاع اول) خواهد بود و قاعده منع توسل به قیاس در قوانین شکلی مجری نیست. لذا مقام قضایی اختیار دارد طبق خواسته متهم، دفاعیات اول و آخر وی را مستقیماً از او یا غیرمستقیم و در غیاب وی از وکیل وی استماع نماید. با این تفاوت که در صورت توجه اتهام پس ارائه دفاعیات اولیه وکیل، تفهیم اتهام و اخذ دفاعیات از وکیل ضرورت پیدا می‌کند.

ثانیاً؛ تفهیم اتهام اولیه به وکیل به صورت دائمی جایگزین تفهیم اتهام اولیه متهم نمی‌شود. به سخن دیگر، تفهیم اتهام به وکیل متهم در بدو تحقیقات به دلیل روشن شدن حقیقت و عدم دسترسی به متهم و احتمال انقطاع دعوی کیفری با صدور قرار نهایی است. در صورتی که اظهارات وکیل مدافع، قاضی تحقیقت را به ادامه تحقیق و تعقیب مجاب نماید، در این مقوله ضمن اینکه متهم برابر ماده ۱۷۹ جلب می‌شود، پس از دستگیری متهم، به وی تفهیم اتهام اولیه صورت می‌گیرد و دفاعیات اولیه وی استماع خواهد شد و در نهایت آخرین دفاع مطرح می‌شود. لکن در موقعیت تفهیم اتهام پایانی و در مرحله اخذ آخرین دفاعیات در پایان تحقیقات، این تفهیم اتهام به وکیل جایگزین تفهیم اتهام به متهم می‌شود؛ بنابراین تفهیم اتهام اولیه قابل جمع میان وکیل و متهم است، ولی تفهیم اتهام آخر قابل جایگزینی است و می‌تواند جمع نشوند. ثالثاً؛ دفاع پایانی پس از دو تفهیم اتهام اخذ می‌شود، در حالی که دفاع اول پس از تفهیم اتهام اول صورت می‌گیرد و این امکان وجود دارد که ارائه دفاعیات از سوی وکیل با وجود حضور متهم به صورت مستقل باشد یا غیرمستقل.

به عبارت دیگر، طبق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری قاضی با دو دفاع مواجه می‌گردد. یکی دفاعیات مستقیم متهم و دیگری دفاعیات وکیل که باید صورت مجلس شود. از طرفی ممکن است متهم از حق ماده ۱۹۷ با وجود اینکه حضور دارد استفاده نماید و سکوت کند و صرفاً وکیل دفاعیات را ارائه دهد. از طرف دیگر ممکن است متهم، غایب باشد و صرفاً وکیل دفاعیات را ارائه نماید. رابعاً؛ بلافاصله می‌توان با حضور متهم و مهیا بودن مقدمات دفاع اولیه، تفهیم اتهام انجام شود و امکان تأخیر آن وجود ندارد، اما در خصوص تفهیم اتهام ثانویه یا پایانی، قاضی حسب موقعیت هر پرونده و کامل یا ناقص بودن تحقیقات می‌تواند تفهیم اتهام را به زمان دیگری که به نظر وی تحقیقات کفایت نموده باشد، موکول نماید؛ به عبارت دیگر، تفهیم اتهام ثانویه و متعاقباً دفاع پایانی

می‌تواند بعد از حضور اولیه متهم در زمان دیگر هم اخذ گردد.

۵) قابلیت‌های قانونی جهت استماع دفاعیات وکیل متهم غایب

در قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان موادی را یافت که امکان احضار وکیل متهم غایب یا متواری جهت اخذ دفاعیات بدون حضور وی فراهم گردد. اولین مقرر، فراز پایانی ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری است و دومین مقرر، ماده ۲۰۴ قانون یادشده و سومین مقرر، فحوی ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری است و درنهایت تبصره ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون مذکور است که اجماً به بررسی هر یک می‌پردازیم.

نخست: فراز پایانی ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم می‌داند، اظهار نماید. اظهارات وکیل صورت‌مجلس می‌شود». این که بر اساس این ماده وکیل حق مداخله در تحقیقات مقدماتی را نداشته و صرفاً در پایان تحقیقات می‌تواند مطالبی را جهت کشف حقیقت ابراز دارد، برداشت صحیحی نیست؛ زیرا مبنای احضار متهم بر اساس ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، وجود دلایلی کافی جهت توجه اتهام به متهم است و مقام قضایی با احضار متهم درصدد جمع‌آوری ادله و تکمیل تحقیقات نیست، بلکه تلاش دادسرا جهت بررسی ادله مزبور با حضور متهم است تا اگر این دلایل محل تردید و شبهه واقع گردید، تحقیقات مقدماتی متوقف شود و پرونده تحت امر جهت محاکمه به دادگاه ارسال نشود.

نیک پیداست مداخله وکیل بهتر می‌تواند به قاضی در جهت بررسی صحت و سقم دلایل و احراز بزه یاری رساند. بی‌توجهی به این امر ضمن نقض حقوق دفاعی متهم در تعارض آشکار با اصول دادرسی منصفانه است. لذا با ترافی نمودن پیش از پیش تحقیقات مقدماتی که می‌بایست در راستای اصل برائت و تساوی سلاح‌ها باشد، چنین محدود کردن وکیل را می‌توان ناقض اصول مذکور دانست که شایسته است جهت جلوگیری از جمع‌آوری دلیل از متهم، علیه متهم این محدودیت‌ها برطرف گردد (شاگری، نریمانی کناری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵)؛ بنابراین با وجود احضار متهم و غیبت وی، مقام قضایی می‌تواند موضوع و ادله اتهامی را به وکیل وی تبیین نماید و در نتیجه دفاعیات وی را

باشند و در صورت عدم اقناع و تمایل به استمرار تعقیب متهم، ضمانت اجرای مقرر در ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری را به عمل آورد.

دوم: ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند» بر اساس این ماده قاضی تحقیق می‌تواند رأساً یا به درخواست متهم اظهارات یا به عبارت بهتر دفاعیات وکیل متهم را استماع کند. بدیهی است که این امر نافی روشن شدن حقیقت نبوده بلکه در راستای آن است؛ بنابراین ممکن است با وجود عدم حضور متهم و حضور وکیل وی در شعبه و تمایل وکیل به دفاع از موکل، قاضی می‌تواند با تبیین موضوع و ادله انتسابی جهت کشف حقیقت، دفاعیات اولیه وکیل را استماع نماید. طبعاً وکیل در غیاب متهم چون فردی غیر از طرفین دعوای کیفری محسوب می‌گردد، اظهارات ایشان قابل استماع است و این امر به شاهد و مطلع که به نفع یکی از طرفین اخبار به حق می‌دهند نیز قابل تسری است. ضمن اینکه ممکن است متهم به دلایلی که امکان حضور نزد مقام قضایی را ندارد، طی لایحه‌ای از قاضی تقاضا کند دفاعیات وی را جهت روشن شدن موضوع از طریق وکیل استماع نماید. این امر نیز با ماده مذکور همسو است.

سوم: ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به‌عنوان آخرین دفاع بیان کند». هرچند نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۲۳۰۷ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸ اداره حقوقی قوه قضاییه مبنی بر اینکه ضوابط و مقررات ناظر بر اخذ آخرین دفاع اساساً ناظر به فرضی است که مسبق به تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین اولیه است، لیکن باید بر این نکته تأکید نمود که تفسیر قوانین شکلی (مانند آیین دادرسی کیفری) در صورتی که با اجرای بهتر و دقیق‌تر عدالت منطبق باشد و سبب تضییع حق مکتسب اصحاب دعوا نشود، بلاشکال است و مشمول ممنوعیت تفسیر موسع و تفسیر به قیاس نمی‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۴۳).

بنابراین وقتی که مقنن در پایان تحقیقات و مرحله آخرین دفاع، نیابت در دفاع و به طریق اولی تفهیم اتهام به وکیل را پذیرفته است به نحوی که تفهیم اتهام و دفاع وکیل جایگزین نهایی محسوب می‌گردد به طریق اولی می‌بایست تفهیم و تبیین موقتی اتهام به وکیل و شنیدن دفاعیات اولیه وی جهت روشن شدن موضوع و حقیقت، مجاز باشد. این تفسیر همسو با اصول دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهم است و از طرفی مقام قضایی را از اطاله تحقیقات دور می‌سازد.

چهارم: تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری: بر اساس انتهای تبصره مذکور در مواردی که متهم مجنون یا فاقد هوشیاری باشد طبق شرایط مقرر در قانون تعقیب و دادرسی ادامه می‌باید. بدیهی است وکیل تعیینی یا تسخیری، مخاطب تفهیم اتهام و دفاعیات اولیه و پایانی است. این موضوع نمونه بارز غیرشخصی بودن تفهیم اتهام و ارائه دفاعیات اولیه است.

پنجم: مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری: در مواقعی که برابر مواد ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ۷۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۸، شخص حقوقی مسئولیت کیفری داشته باشد، بر طبق مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری به نماینده قانونی یا وکیل وی تفهیم اتهام صورت می‌گیرد. هرچند مقنن در ماده اخیرالذکر از اصطلاح تبیین اتهام به نماینده شخص حقوقی استفاده نموده است، لیکن ضوابط آن همان ضوابط تفهیم اتهام است (عابدی، ۱۳۹۸، ص ۴۸۴). برابر ماده ۶۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، ناظر بر مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون یادشده، آخرین دفاع نیز از نماینده اخذ خواهد شد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تفهیم اتهام و اخذ دفاعیات نسبت به اشخاص حقوقی نیز نیابتی است. شاید در این زمینه استدلال شود که تفهیم اتهام حضوری نسبت به شخص حقوقی محمل منطقی ندارد. لیکن باید ابراز داشت، طبق توضیحات پیش‌گفته ذاتاً تفهیم اتهام و دفاعیات اولیه می‌تواند نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی نیابتی باشد، اعم از موقتی یا دائمی و قانون‌گذار می‌بایست در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری این فرض را به صورت غیابی و موقتی در نظر بگیرد و روبه قضایی می‌تواند با توجه به مواد سابق‌الذکر به تفهیم اتهام غیابی موقت، هدایت گردد.

نتیجه‌گیری

تفهیم اتهام اولیه به وکیل متهم و اخذ دفاعیات اولیه از وی در حالت عادی صراحتاً در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است، لیکن از دو جهت می‌توان به قابلیت تفهیم اتهام به وکیل متهم در قانون آیین دادرسی کیفری قائل بود: نخست در مواردی است که مقنن در حالت استثنایی این مهم را پیش‌بینی نموده است، مانند تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و دوم: تفهیم اتهام پایانی به وکیل متهم و اخذ دفاعیات نهایی از وی وفق ماده ۲۶۲ قانون مذکور است.

به نظر نگارنده از طرفی، مقنن در حالت استثنایی به دلیل عدم امکان تفهیم اتهام به متهم، این موضوع را به وکیل تسری داده است، طبعاً اگر متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی به هر دلیلی امکان حضور نداشته باشد و قابلیت تفهیم اتهام به وی فراهم نباشد، می‌توان به این مهم به صورت مقطعی متوسل شد و از طرفی در مقطع پایانی تحقیقات مقدماتی که به مراتب از مرحله مقدماتی تحقیقات مقدماتی مهم‌تر است، به این مهم اشاره نموده است و فلذا عدم تصریح قانون‌گذار به این موضوع در مراحل ابتدایی تحقیقات مقدماتی به معنای ممنوعیت توسل به آن نیست، بلکه به قیاس اولویت می‌توان قائل بود که در تفهیم اتهام اولیه، اخذ دفاعیات از وکیل متهم جایز است و این امر در راستای حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، پیشگیری از تعقیب ناروا و اطلاع دادرسی نه‌تنها مجاز و منع قانونی ندارد، بلکه ضروری است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تفهیم اتهام غیابی اولیه به وکیل متهم غائب یا متواری به صورت موقتی جایز است و جایگزین تفهیم اتهام اصلی به متهم نیست.

منابع

- ۱) آخوندی، محمود، «آیین دادرسی کیفری»، جلد پنجم، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲) آشوری، محمد، «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، سمت، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۴۰۰.
- ۳) الهی منش، محمدرضا، رحیمی، محمدمهدی، «آیین دادرسی کیفری»، جلد اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۴.
- ۴) بابایی، محمدعلی، افراسیابی، علی، «حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، آموزه‌های حقوقی»، شماره ۱۳، ۱۳۸۹ ش.
- ۵) خالقی، علی، «آیین دادرسی کیفری»، جلد اول، شهر دانش، چاپ سی و سوم، تهران، ۱۳۹۵.
- ۶) دیوسالار، نادر، نجفی توانا، علی، «چالش‌های دفاع در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹۲، ۱۳۹۹.
- ۷) رجبی تاج امیر، ابراهیم، خالقی، علی، حبیب زاده، محمدجعفر، «مفاهیم و بنیان‌های نظری رعایت حق سکوت و دسترسی به وکیل در فرآیند بازجویی ضابطان دادگستری»، پژوهش‌های انتظام اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۹۶.
- ۸) رحمدل، منصور، «حقوق دفاعی متهم؛ مفهوم و ابعاد آخرین دفاع، آموزه‌های حقوق کیفری»، شماره ۱۹، ۱۳۹۹.
- ۹) رزاززاده، امیرحسین، «کارگاه رسیدگی به جرائم در دادسرا»، جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶.
- ۱۰) رستمی، هادی، «آیین دادرسی کیفری»، میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷.
- ۱۱) زاهدی، عبدالوحدید، سرگزی، سمیرا، «تأثیر عدم رعایت اصول دادرسی بر بی‌اعتباری رأی دادگاه حقوقی»، شماره ۱۰۷، ۱۳۹۸.
- ۱۲) شاکری، ابوالحسن، نریمانی کناری، یاسر، «اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق کیفری ایران»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۲، ۱۳۹۲.
- ۱۳) طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۴) طهماسبی، جواد، «آیین دادرسی کیفری»، جلد اول، میزان، تهران، ۱۳۹۶.
- ۱۵) «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.

- ۱۶) عابدی، احمدرضا، «آیین دادرسی کیفری»، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، تهران، ۱۳۹۸.
- ۱۷) عبداللهی، فاطمه، «تفهیم اتهام در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل»، نشریه قضاوت، شماره ۷۱، ۱۳۹۰.
- ۱۸) فضائی، مصطفی، ملاکه، ابراهیم، «حق داشتن وکیل در اسلام و حقوق بین‌المللی بشر با تأکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۳، ۱۳۹۴.
- ۱۹) کرامت، قاسم، حبیب زاده، محمدجعفر، «الزامات نظام قضایی در زمینه حقوق و آزادی متهمان در مرحله دادرسی»، پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، شماره ۳، ۱۳۹۱.
- ۲۰) محمودی جانکی، فیروز، جلیل پیران، علی‌اکبر، «تفهیم اتهام در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱، ۱۴۰۰.
- ۲۱) مؤذن زادگان، حسنعلی، «تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۸، ۱۳۹۸.
- ۲۲) مهاجری، علی، «آیین رسیدگی در دادرسی»، جلد اول، فکر سازان، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۹۵.
- ۲۳) ملکی، علی، «وکالت و نارسایی‌های آن در قانون آیین دادرسی کیفری»، سال ۱۳۷۸، نشریه دادرسی، شماره ۳۳، ۱۳۸۱.
- ۲۴) ناجی زواره، مرتضی، «آشنایی با آیین دادرسی کیفری»، جلد اول، خرسندی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵.
- ۲۵) وطنی، امیر، آقایی جنت‌مکان، حسین، درویش، محمدامین، «تقویت مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر حقوق موضوعه و الزامات اخلاقی»، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۴، ۱۳۹۹.
- ۲۶) یزدانی، مرتضی، «جایگاه تفهیم اتهام غیابی در قوانین دادرسی کیفری ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)»، نشریه دادرسی، شماره ۱۱۰، ۱۳۹۴.

Measuring the feasibility of explaining the client's accusation to the lawyer in the preliminary investigation stage

Milad Amiri¹

Abstract

Explaining the accusation and obtaining defenses from the accused are among the important issues that determine the fate of the continuation or interruption of the preliminary investigation. The question that is raised in this regard is whether, based on the Criminal Procedure Law approved in 2012, it is possible to explain the charge of absenteeism and obtain initial defenses from the lawyer of the absent or fugitive accused? Here, the research findings indicate that first; Addressing the accused's lawyer on a temporary basis and until the accused's arrival or presence to hear the first defense is not permitted or prohibited by law, just like hearing the last defense of the lawyer from the client. Secondly; There is no basic difference between hearing the first defense and the last defense of the accused, and both types of defense can be obtained at the same time, therefore, the lawyer has the right to present defenses at both stages. Thirdly; Despite the fact that the addressee of the "Final Accusation Explanation" and "Criminal Security Order" is the complainant; However, according to the spirit of Articles 3 and 94 of the Criminal Procedure Law approved in 2012, with the aim of reducing the delay of proceedings and speeding up preliminary investigations, the Iranian judicial system can refer to the client's "interpretation of the temporary charge" to the lawyer to obtain initial defenses and determine the fate of the criminal case. create a procedure, and this is not inconsistent with the provisions of Article 178 and Articles 190 to 199, 262 and 263 of the Criminal Procedure Law. This research has investigated the issue in a descriptive and analytical way.

Key words: defendant, client, statement of accusation, lawyer, defense, proceedings;

¹. PhD student, Judge, Milad.amiri@gmail.com